

بازخوانی دیدگاه تحریف گرایانه رابطه فلسطین و ظهور در پرتو ضرورت توجه به سنت‌های الهی

محمد شهبازیان^۱
محمد باغگلی^۲

چکیده

«فلسطین» دارای جایگاه ویژه‌ای در متون کهن تاریخی و مقدس ادیان است و در گزارش‌های مرتبط با فتن و ملاحم نیز بسیار از آن یاد شده است. «طوفان الاقصی» بهانه‌ای گردید تا افزون بر نگاه‌های سیاسی و انسان دوستانه، نگرش آخرالزمانی در میان متدینان پدید آید و آنان به تحلیل آیات و روایات مرتبط با این منطقه بپردازند. در این میان، آیاتی از سوره اسراء در افساد بنی اسرائیل و مجازات آنان، ادعای ورود ایرانیان در سرزمین فلسطین در آستانه ظهور و گزارشی منقول از امیرالمومنین علیه السلام با محتوای ورود مردمانی از مشرق زمین به فلسطین برای نابود کردن اسرائیل، بیش از موارد دیگر مورد توجه سخنرانان مذهبی و علاقه‌مندان به تطبیق گرایی قرارگرفت. این پژوهش تلاش دارد با روش «توصیفی-تحلیلی»، تحریف‌های صورت گرفته در بهره‌گیری از آیه مذکور و گزارش‌های پیش گفته را روشن و غیر مستند بودن نگرش تطبیق گرایانه به مسئله فلسطین و مغایرت آن با تحلیل مبتنی بر سنت‌های الهی را ارائه کند. نتیجه این پژوهش، آن که آیات سوره اسراء و روایات مذکور، ارتباطی میان آزادی فلسطین و ظهور را ثابت نمی‌کند و مسئله فلسطین همانند دیگر مباحث مرتبط با زمینه‌سازی ظهور باید بر مبنای سنت‌ها و قواعد الهی تحلیل گردد.

واژگان کلیدی: آخرالزمان، فلسطین، سنت‌های الهی، تحریف، ظهور.

۱. استادیار گروه مهدویت و جریانشناسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

m.shahbazian@isca.ac.ir

baghgoli@iran.ir

۲. دانش آموخته سطح ۳ مرکز تخصصی مهدویت، حوزه علمیه قم، ایران.

مقدمه

فلسطین، به عنوان خاستگاه دین یهود، مسیحیت و قبله نخست مسلمانان، در طول تاریخ به دلیل موقعیت جغرافیایی و مسائل دینی همیشه مورد توجه مردم و حکومت‌ها بوده است. با ورود اسلام به این منطقه و حاکمیت طولانی مسلمین بر آن، مسلمانان نقش مهمی در آبادانی بیت المقدس ایفا کردند و شهر به تدریج هویتی اسلامی _ عربی به خود گرفت و باعث شد تا تعلق خاطر مسلمانان به این منطقه افزون گردد؛ اما آنچه بیش تر از همه، فلسطین را کانون توجه قرار داده است، جایگاه فلسطین در روایات اسلامی و جنبه آخرالزمانی این منطقه در تمامی ادیان توحیدی اسلام، یهود و مسیحیت است (هیئة الموسوعه الفلسطینیه، ۱۹۸۴: ج ۳، ص ۵۱۰). بنابراین برخی از گزارش‌های ذکر شده در منابع فریقین، منطقه شامات و فلسطین با آخرالزمان پیوند داشته (ابن طاووس، ۱۳۹۸: ص ۶۵-۶۶) و اقتدا کردن حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام در زمانه ظهور به حضرت مهدی عَجَلُ اللّٰهُ تَعَالٰی وَرَحْمَةُ السَّلَامِ، در بیت المقدس رخ خواهد داد (طوسی، ۱۴۲۵: ص ۴۳۶). این پیوند آخرالزمانی و تمایل فطری بشر به تحلیل آینده و بیان احتمالات پیش رو، موجب گردیده تا برخی از سخنرانان مذهبی فریقین^۱ به تکاپو بیفتند و رخداد عظیمی مانند «طوفان الاقصی» را بستری مناسب برای تحلیل آخرالزمانی جنگ غزه و پیوند زدن نابودی اسرائیل با ظهور حضرت مهدی عَجَلُ اللّٰهُ تَعَالٰی وَرَحْمَةُ السَّلَامِ بدانند. این گروه، که از آنان به عنوان «جریان تطبیق‌گرا» در عرصه نشانه‌های ظهور می‌توان نام برد؛ در تحلیل روشمند نیستند و با تمسک ناقص و غیرعلمی به برخی از منابع و استدلال‌های غیر روشمند، وقایع پیرامونی خود را با ظهور حضرت مهدی عَجَلُ اللّٰهُ تَعَالٰی وَرَحْمَةُ السَّلَامِ مرتبط می‌دانند. پیروان این شیوه، عموماً بهره‌گیری از منابع ضعیف، استناد بدون ضابطه به منابع اهل سنت، تمسک به روایات شاذ، تاویل‌گرایی، جعل، تقطیع و تحریف را در آثار خود دنبال می‌کنند (شهبازیان و زارع، ۱۴۰۲: ص ۱۹۹).

در این میان و برخلاف نگرش تطبیق‌گرایانه، رویکردی دیگر در تحلیل مسائل اجتماعی

۱. (چابهار، ۱۴۰۲: <https://www.aparat.com/v/hQ8nC>).

پناهیان، ۱۵ مهر ۱۴۰۱ به نشانی: [Thttps://www.aparat.com/v/4dwIW](https://www.aparat.com/v/4dwIW)؛

رائفی پور، ۸ آبان ۱۳۹۷، <https://www.aparat.com/v/bouph?playlist>.

وجود دارد که بر سنت‌های الهی و قواعد قرآنی مرتبط با فلسفه تاریخ مبتنی است. نمونه این رویکرد، در اندیشه بزرگانی مانند: سید محمد باقر صدر (صدر، ۱۳۸۱: سراسر کتاب)؛ آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی ایران دیده می‌شود (رضوی، جوهری، ۱۴۰۱: سراسر متن)؛ تلاش دارند وقایع اجتماعی را منطبق بر قواعد قطعی الهی تحلیل کنند و از گزارش‌های شاذ و نادر و روایات غیر قطعی بهره نبرند.

مقاله پیش‌رو، با روش «توصیفی-تحلیلی»، نخست به ضرورت نگرش به مسائل اجتماعی با محوریت سنت‌های الهی اشاره می‌کند و پس از آن، به رویکرد تحریف‌گرایانه «تطبیق رابطه طوفان الاقصی و ظهور» پرداخته و اشکالات استنادی این رویکرد آسیب‌زا را تبیین کرده است.

پیشینه تحقیق

این مسئله به صورت مستقیم در مقاله و پژوهشی ارائه نگردیده است و نزدیک‌ترین تحقیق را مقاله «مبانی نظری پیش‌بینی مقام معظم رهبری مبنی بر نابودی اسرائیل»، اثر محمدعلی محیطی اردکانی، مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۵۹ می‌توان دانست. در این تحقیق، دیدگاه تحلیلی تحریف‌گرایانه در مسئله فلسطین و غزه پردازش نشده است و از این رو، نگارش پیش‌رو سابقه پژوهشی ندارد.

مفهوم‌شناسی

۱. سنت‌های الهی

«سنن» جمع سنت است و لغت‌شناسان آن را به معنای راه، روش، شیوه، طریقه، خوی، عادت، قانون، آیین، شریعت، رسم، سیره، طبیعت و سرشت بیان کرده‌اند (دهخدا، ۱۳۶۳: ج ۱۶، ص ۲۰۳۲ و عمید، ۱۳۷۵: ص ۷۵۵). واژه مذکور از ماده «سَنَنَ»، به معنای جریان مستمر و آسان یک شیء گرفته شده (مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۵، ص ۲۳۷) و در اصطلاح، به معنای حضور و ظهور روش الهی در تدبیر جوامع به اقتضای حکمت خود و استدعا و استعداد بشری است. این روش‌ها از سنخ امور حقیقی و تکوینی است و همانند ریزش آسان و پیاپی آب در جامعه انسانی می‌باشد؛ خواه از روش‌های لطف و رحمت الهی باشد و یا از روش‌های قهر و غضب او (آقاجانی،



۲. تحریف

«تحریف» بر وزن تفعیل، از ماده «حرف» به معنای عدول کردن و تمایل از شیئی به شیء دیگر است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۹، ص ۴۳) و در اصطلاح، تغییر در ظاهر و معنای کلام گوینده را «تحریف» آن کلام دانسته و مصداق بارز آن را تحریف در کتب مقدس گذشته و تغییر معنای آیات قرآن عنوان می‌کنند (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ج ۳، ص ۸۲؛ فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۳، ص ۲۸ و ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۹، ص ۴۳). در احادیث و روایات نیز تحریف وجود داشته است و این رویکرد، تغییر در لفظ، معنا و بیان مصادیق اشتباه را شامل می‌شود و نیز به هرگونه تغییر در گزاره‌ای که مقصود حقیقی گوینده را تحت الشعاع قرار دهد، تحریف می‌گویند که با استفاده از جعل، تقطیع، ترجمه غلط، جابه‌جایی در کلمات صورت می‌گیرد (شهبازیان، ۱۳۹۸، ص ۲۷).

۳. آخرالزمان

«آخرالزمان» از دو بخش «آخر» و «زمان» تشکیل شده است. این ترکیب را به پایان زمان و رستاخیز ترجمه کرده‌اند (آذرتاش، ۱۳۹۶: ص ۵). این واژه اصطلاحاً در دو معنا به کار رفته است: نخست: دوران نبوت پیامبر اسلام، که از آغاز نبوت تا وقوع قیامت را شامل می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹، ص ۲۸۶) دوم: آخرین بخش از دورانی که در آن، مهدی موعود ظهور می‌کند و تحولات عظیمی در عالم واقع می‌شود (اربلی، ۱۴۳۳: ج ۴، ص ۱۹۹)؛ اما عنوان آخرالزمان، گستره معنایی دارد و الزاماً به معنای دوران متصل به ظهور نیست و نمی‌توان معنای آن را به دوران خاص و کاملاً مشخص منحصر کرد.

توجه به سنت‌های الهی در تحلیل وقایع اجتماعی

مطابق تعالیم وحیانی، جوامع بشری تحت نظام و قوانین متناسب حکمت الهی و عملکرد انسانی قرار دارند که این نظام و قوانین می‌تواند منشاء آثار معرفتی و مزایای علمی برای انسان باشد. این توجه، تنها یادآور تاریخ گذشته نیست بلکه بیانگر قانون‌مندی فعل خدا با گذشته، حال و آینده بشر است (آقاجانی، ۱۳۹۹: ص ۶۹). سنت‌هایی که گاه سبب اعتلا، پیشرفت و

امنیت جامعه است و گاه علت انحطاط و هلاکت آن‌ها. سنت‌های الهی، فرا تاریخی‌اند و به زمان خاصی محدود نیستند (جوهری، ۱۴۰۱: ص ۳۰)؛ منطقه‌ای محسوب نمی‌شوند، بلکه قواعدی جهان‌شمولند (همان)؛ با تشریح الهی متناسب و با حق همسو هستند (همان)؛ ثابت و غیرقابل تغییرند (فاضلیان، ۱۳۸۸: ص ۲۶) و با اراده و اختیار انسان مغایرت ندارد (همان، ص ۲۸). بنابراین، سنت‌های الهی نقش اساسی و تاثیرگذاری بر زندگی انسان و جوامع دارند که شناخت آن‌ها می‌تواند کمک کند تا تفسیر روشنی از وقایع و اطراف پیرامون خود و جهان داشته باشیم و بتوانیم به تحلیل و تبیین اوضاع بپردازیم و توصیه‌های سازنده ارائه کنیم. قرآن کریم ضمن بیان این‌که جوامع انسانی پیرو سنت‌های الهی بوده‌اند، همگان را به دریافت و درک این سنت‌ها تشویق می‌کند و در آیات مختلف اصرار می‌ورزد که در زمین سیر کنند تا عاقبت اقوام و جوامع گذشته را ببینند (یوسف: ۱۰۹؛ روم: ۹؛ فاطر: ۴۴؛ غافر: ۸۲؛ انعام: ۱۱؛ نمل: ۶۹؛ عنکبوت: ۲۰). دستور الهی این است که جامعه دینی، ضمن درک و استنباط سنت‌های الهی که از دیدن سرنوشت اقوام گذشته به دست می‌آورند، برای سعادت خود و رسیدن به کمال، از این سنت‌ها استفاده کنند و در مورد آنان تفکر شود: «قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ»؛ قطعاً پیش از شما سنت‌هایی بوده و سپری شده است. پس، در زمین بگردید و بنگرید» (آل عمران: ۱۳۷). در آیه مورد بحث، خداوند سنت‌هایی در اقوام گذشته داشته است که این سنت‌ها هرگز جنبه اختصاصی ندارد و به صورت سلسله قوانین حیاتی درباره همگان اجرا می‌شود. در این سنت‌ها، پیشرفت و تعالی افراد با ایمان، مجاهد، متحد، بیدار و نیز شکست و نابودی ملت‌های پراکنده و بی‌ایمان و آلوده به گناه نیز پیش‌بینی گردیده که در تاریخ ثبت است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۳۳۲). همچنین امیرالمومنین، علی علیه السلام به اهمیت و جایگاه سنت‌های الهی اشاره و بیان می‌کنند که حالت‌ها، سختی‌ها و فراز و فرودها، پیچ‌های تاریخی، شبیه هم هستند و قواعدی در مدیریت این‌ها دخیل است که باید به آن‌ها توجه کرد (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲).

رهبر انقلاب اسلامی ایران آیت‌الله‌خامنه‌ای؛ به عنوان یکی از اندیشمندان معارف دینی، دارای نگرش قرآن‌بنیان است. از ویژگی‌های مهم و برجسته ایشان، فهم قابل توجه اجتماعی و سیاسی ایشان از آیات قرآن و مبتنی بر سنت‌های الهی است. ایشان یکی از مهم‌ترین



خصوصیت‌های مباحث فکری اسلامی را ابتدای این مباحث به متون و مدارک اصیل دینی، به خصوص قرآن کریم می‌داند و مسیر تحلیل و هندسه ذهنی خود را چنین معرفی می‌کند:

در استنباط و فهم اصول اسلامی، [باید] مدارک و متون اساسی دین، اصل و منبع باشد؛ نه سلیقه‌ها و نظرهای شخصی یا اندوخته‌های ذهن و فکر این و آن... تا حاصل کاوش و تحقیق، به راستی اسلامی باشد و نه هر چیز جز آن. برای برآمدن در این منظور، قرآن کامل‌ترین و موافق‌ترین سندی است که می‌توان به آن متکی شد (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ص ۳۴-۳۵).

وی در مباحث قرآنی به سنت‌های الهی توجه دائمی دارند. لذا با بررسی آثار قرآنی ایشان، از جمله کتاب‌های «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن کریم»، «تفسیر سوره براءت»، «تفسیر سوره مجادله»، «تفسیر سوره ممتحنه»، «تفسیر سوره حشر»، «تفسیر سوره حمد» و «تفسیر سوره بقره»، می‌توان به فهم عمیقی از سنت‌های خداوند حاکم بر جهان آفرینش رسید. ایشان معتقد است که سنت‌های الهی قوانینی هستند که یک موضوع و یک نتیجه دارند که اگر شما خودتان را با آن موضوع منطبق کنید، نتیجه قطعاً مترتب خواهد شد: ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ﴾ (محمد: ۷). «تَنْصُرُوا اللَّهَ» موضوع «تفسیر سوره براءت» است؛ یاری کنید خدا را، «حکم» و نتیجه «تفسیر سوره براءت» است. یا ﴿لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ﴾ (ابراهیم: ۷)؛ اگر نعمت الهی را در جایش مصرف کردید، خدا آن نعمت را بر شما زیاد خواهد کرد. اگر شما خودتان را با موضوع تطبیق کردید، حتماً نتیجه مترتب خواهد شد (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۱/۰۴/۰۷). ایشان در مباحث قرآنی خود، به سنت‌های گوناگونی اشاره کرده و به توضیح آن‌ها پرداخته‌اند؛ به عنوان نمونه:

۱. سنت پیروزی نهایی حق بر باطل:

خداوند متعال در آیات فراوان وعده داده است که اهل حق و طرف‌داران حق، ممکن است قربانی بدهند؛ اما پیروز نهایی‌اند؛ مثلاً: ﴿أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ﴾؛ خیال می‌کنند دارند زمینه‌سازی می‌کنند، توطئه برای جبهه حق و مقاومت درست می‌کنند؛ [اما] نمی‌دانند که توطئه علیه خود آن‌ها دارد چیده می‌شود. طبق طبیعت و سنت الهی آیه دیگر: ﴿وَتُرِيدُ أَنْ تَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَعْصَمُوا فِي الْأَرْضِ﴾ تا آخر آیه (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۸/۰۳/۱۴).

۲. اثربخشی تلاش و کوشش:

﴿وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلُوا الْأَذْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا * سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾؛ اگر دشمن کافر با شما مواجه بشود، حتماً مجبور به عقب‌نشینی است. البته وقتی شما می‌جنگید، وقتی که شما مبارزه می‌کنید؛ [اگر] بنشینید و بیکار بمانید نه؛ اما وقتی که داریم حرکت می‌کنیم، داریم کار می‌کنیم؛ حتماً دشمن شکست می‌خورد (همان، ۱۳۹۷/۰۶/۱۵).

۳. نصرت اهل ایمان:

﴿وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ﴾؛ عامل پیروزی این است که یک جماعتی ایمان درستی داشته باشد، و این ایمان راسخ باشد، و این ایمان با بصیرت همراه باشد، و این ایمان و بصیرت با عمل و اقدام همراه باشد؛ این‌ها وقتی روی هم گذاشته شد، نصرت قطعی است (همان، ۱۳۹۲/۰۹/۱۹).

این نوع از نگرش و رویکرد ایشان در تحلیل مسئله فلسطین و پیروزی نهایی امت اسلام بر رژیم صهیونیستی نیز حاکم است و ایشان با تمسک به سنت‌های الهی و قواعد قرآنی به تحلیل مسئله غزه و طوفان الاقصی و در نهایت، رهایی فلسطین از استکبار صهیونیستی سخن گفته‌اند. ایشان مبتنی بر رویکرد عالمانه مذکور، اولین تحلیل خود را درباره فلسطین در سال ۱۳۵۹ شمسی مطرح و در خطبه‌های نماز جمعه آینده فلسطین را مبتنی بر سنت یاری‌گری الهی و مقاومت مستمر عنوان کردند (خطبه نماز جمعه: ۱۳۵۹/۰۵/۱۷). ایشان دلیل تحلیل خود را به آیه سوره اسراء مستند دانسته و می‌فرمایند:

این را باید ما از وعده خدا بیاموزیم. خدای متعال در سوره بنی‌اسرائیل خطاب به بنی‌اسرائیل می‌کند: ﴿لَتُفْسِدَنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا﴾ (اسراء: ۴)؛ هر امتی که با صلاح، یا سلاح حق و حقیقت و عدالت‌طلبی حاضر شود راه طبیعی سنت‌های تاریخ را ببیماید؛ خدا به او کمک خواهد کرد؛ اما هر ملتی که فساد کند، بر مستضعفین طغیان کند، ارزش‌های انسانی را ندیده بگیرد؛ آن ملت محکوم به فنا و نابودی است.

نکته در عبارت پیش گفته آن است که ایشان، آینده فلسطین را بر دلایلی غیرمستند یا ذوقیات مبتنی نکرده‌اند، بلکه آن را بر قاعده‌ای الهی به نام عذاب فساد در روی زمین مبتنی



کرده و با برداشت سنتی الهی، به تحلیل قوم بنی اسرائیل و استمرار فساد آن‌ها در فلسطین پرداخته‌اند. این نوع رویکرد تحلیلی در نصرت الهی بر فلسطین را در جای دیگر نیز تاکید فرموده و در پاسخ به نامه‌های اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) از آیه شریفه: ﴿إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ (خامنه‌ای، نامه‌ها، ۱۴۰۰/۳/۳)؛ و در پاسخ به زیاد نخاله، دبیرکل جنبش جهاد اسلامی فلسطین از آیه شریفه ﴿وَ لِيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ﴾ بهره برده‌اند (خامنه‌ای، نامه‌ها: ۱۴۰۰/۳/۳) و وعده پیروزی به فلسطینیان می‌دهند.

در کنار توجه به سنت‌های الهی، ایشان به رویکرد عالمانه و تحلیل مبتنی بر اسناد قطعی به مسئله آخرالزمان و نشانه‌های ظهور توجه ویژه دارند. ایشان در دیدار استادان و طلاب حوزه علمیه قم نیز بر این مطلب تاکید کرده‌اند و اعتقاد دارند، از جمله چیزهایی که می‌تواند خطر بزرگ محسوب شود، کارهای عامیانه و جاهلانه و دور از معرفت و غیرمتکی به سند و مدرک در مسئله مربوط به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، که همین کارها، زمینه را برای مدعیان دروغین فراهم می‌کند؛ کارهای غیرعالمانه، غیرمستند، غیر متکی به منابع و مدارک معتبر، صرف تخیلات و توهمات. این کارها مردم را از حالت انتظار حقیقی دور و زمینه را برای مدعیان دروغگو و دجال فراهم می‌کند. از این کارها بایستی به شدت پرهیز کرد (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۰/۰۴/۱۸).

در مقابل این نگرش، رویکرد تطبیق‌گرایانه و عجولانه و غیرمستند به روایات قرار دارد. این نگاه با رواج تسامحی، پیامدها و آسیب‌هایی جدی خواهد داشت. از برجسته‌ترین پیامدهای این سهل‌انگاری، چنگ‌زدن مدعیان دروغین به این روایات، نبود انسجام بایسته میان روایات همسو، پدیدآمدن ناهماهنگی در برخی آموزه‌های مهدوی و در نهایت، کم‌شدن اعتقاد و اعتماد به روایات مهدویت است (سلیمیان، ۱۳۹۹: ص ۱۶).

امروزه مسئله فلسطین به یکی از اخبار مطرح در بین جوامع بین‌المللی تبدیل گشته که متاسفانه به جای تحلیل صحیح درباره غزه و فلسطین، شاهد تحلیل‌های غیر مستند در مقوله آخرالزمان، ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ارتباط آن با طوفان الاقصی شده‌ایم. این رویکرد بدون نگرش جامع به روایات و آیات، عدم دقت در اعتبار سنجی و اتقان منابع نقل‌گزارش و عدم توجه به پیامدهای تطبیق و توقیت، انگاره خود را با عنوان نتیجه‌ای قطعی به جامعه منتظر

لقا می‌کند. نمونه‌ای از تحلیل‌های تحریف‌گرایانه و وارونه‌نمایی در مسئله فلسطین و آخرالزمان را می‌توان در ادعاهای ذیل ملاحظه کرد:

۱. تحلیل ناقص از آیه سوره اسراء

سوره مبارکه اسراء یا همان بنی اسرائیل از جمله سوره‌هایی است که به دلیل وجود وعده در عذاب الاهی برای بنی اسرائیل مورد توجه قرآن پژوهان و نویسندگان تطبیق‌گرا قرار گرفته است.

مهم‌ترین آیات مورد بحث از منظر تطبیق‌گرایان در چند سال اخیر چنین است:

﴿وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا﴾؛ ما در کتاب [تورات]، به بنی اسرائیل اعلام کردیم که قطعاً شما دوبار در زمین فساد می‌کنید و برتری جویی بزرگی خواهید کرد. پس همین که وعده نخستین فتنه فرا رسد، گروهی از بندگان توانمند و جنگجوی خویش را برای سرکوبی شما بر انگیزیم. پس درون خانه‌ها را جست‌وجو کنند تا فتنه‌گران را یافته کیفر دهند و آن، وعده‌ای قطعی است» (اسراء: ۴-۵).

واقعۀ اخیر غزه، موجب گردید تا دوباره شاهد تحلیل‌های آخرالزمانی و بازنشر برخی از سخنان سابق درباره ارتباط میان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تسلط ایرانیان و مسلمانان بر فلسطین اشغالی باشیم. یکی از سخنران‌های مشهور^۱ آیات مذکور را این چنین تفسیر می‌کنند که قبل از ظهور ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، فلسطین توسط ایرانیان فتح و رژیم غاصب صهیونیستی نابود می‌شود و این اتفاق از نشانه‌های ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و متصل به ظهور است، ایشان مستند خود را آیه شریفه مذکور قرار داده و با تمسک به روایتی تفسیری ذیل این آیه شریفه، به دنبال اثبات ادعای خود است. این ادعا در واقع شامل مقدمات ذیل است:

اولاً: در آیه شریفه خدای متعال بنی اسرائیل و ظلمشان را خطاب قرار داده که امروزه بر رژیم صهیونیستی سازگار است؛

ثانیاً: این آیه نشان می‌دهد که بندگان الاهی به ظالمان حمله و آن‌ها را تا منازلشان دنبال

۱. (پناهیان، ۱۵ مهر، ۱۴۰۱: <https://www.aparat.com/v/4dwIW>).

می‌کنند و در نهایت بر آنان پیروز خواهند شد؛

ثالثاً: قید الاهی «كَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا» نشان از نزدیکی این امر به ظهور و اتصال آن با حکومت

حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى دارد؛

رابعاً: در روایات مکرر سوال شده است که بندگان خدایی که صهیونیست‌ها را از بین می‌برند،

چه کسانی هستند؟ امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرموده‌اند: «ایرانی‌ها هستند».

در کنار این سخن، یکی از نویسندگان، رویکرد تطبیقی خود به آیه را بیان کرده و معتقد است که مراد از دو عذاب الاهی این است که در عذاب اول، بندگان خداوند دولت اسرائیل را نابود می‌کنند و به ظهور متصل می‌شویم و نابودی دوم برای پس از ظهور است. وی معتقد است، یهودیان تا زمان ظهور، طبق آیات ۴ تا ۸ دولتی تشکیل می‌دهند؛ اما دولتشان در همان سرکوبی اول از بین می‌رود. چیزی که برای سقوط دوم باقی می‌ماند، حزبشان است. تشکیلات پنهانی است که ما به عنوان یهود نام می‌بریم (همایون، ۱۴۰۲: خبرگزاری تسنیم، با عنوان «همایون: یهودیان اسرائیل در دو نوبت سرکوب می‌شوند!»)

روایت مورد استفاده در دو گفتار پیشین نیز چنین است:

وَرَوَى بَعْضُ أَصْحَابِنَا قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَالِسًا إِذْ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ: «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا». فَقُلْنَا جُعِلْنَا فِدَاكَ مَنْ هَؤُلَاءِ فَقَالَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ هُمْ وَ اللَّهُ أَهْلُ قُمَّ؛ یکی از شیعیان نقل می‌کند: نزد امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نشسته بودم که این آیه را خواندند: «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا». گفتم: فدایت شوم! آن‌ها چه کسانی هستند؟ سه بار فرمود: «به خدا آن‌ها مردم قم باشند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۷، ص ۲۱۶).



نقد و بررسی تفسیر از سوره اسراء

۱. تحلیلی بر آیه شریفه

۱-۱. تفسیر بدون دلیل

آیه شریفه در میان مفسران مورد بحث قرار گرفته و از آنان بر تشخیص مصداقی به منظور تبیین عذاب دوگانه قوم بنی اسرائیل تلاش داشته‌اند. به عنوان نمونه، شیخ طوسی با توجه به نقل از مفسرانی چون ابن عباس، احتمال داده است مراد جالوت یا بخت النصر باشد (طوسی، بی‌تا: ج ۶، ص ۴۴۸). امین الاسلام طبرسی نیز، تحلیل شیخ طوسی را تفصیل داده و به دو مرحله فساد بنی اسرائیل در قالب کشتار پیامبران الهی و عذاب آن‌ها توسط افرادی مانند بخت النصر اشاره می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۶، ص ۶۱۵).

در تفسیر قمی تلاش کرده است افساد در زمین را به مسلمانان و دو گروه غصب‌کننده خلافت امیرالمومنین علیه السلام و بنی امیه نسبت دهد که فرهنگ غلط آنان در نهایت با ظهور قائم از بین می‌رود (منسوب به علی بن ابراهیم قمی، ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۳۴). مفسری دیگر، متذکر می‌شود که با این روش در تحلیل، مراد از «قضینا» «اعلمنا» و آگاهی دادن به بنی اسرائیل در کتاب تورات است که بدانید امت اسلام این دو خطا را خواهند کرد (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ج ۲، ص ۷۷۸). این معنا را استرآبادی در تفسیر خود تایید کرده و معنای آیه را از قوم بنی اسرائیل به مسلمانان تاویل برده است (استرآبادی، ۱۴۰۹: ص ۲۷۲). عیاشی همین سخن را اراده کرده و آیه را تاویل به ظلم نظام اموی به اهل بیت علیهم السلام دانسته و در یک جا مراد از عبارت «قوم یبعثهم الله» را نشان از مردمانی تابع اهل بیت علیهم السلام شمرده که ظلم حاکم بر اهل بیت علیهم السلام را از بین می‌برند و بعد از آن، رجعت صورت می‌گیرد (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۲۸۱)؛ و در جای دیگر عنوان کرده است مستقیماً مراد، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و یارانش هستند که ظلم را از بین می‌برند (همان). نکته این که هیچ یک از تفاسیر قدما و متأخران، ظاهر آیه و باطن آن را بر نابودی امت یهود به دست ایرانیان دلالت ندانسته و اگر سخن از امت اسلامی هم شده، تاویل آیه است که برچیده شدن ظلم توسط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و امر رجعت را متذکر شده است. به عبارت دیگر، اگر می‌خواهیم به ظاهر آیه توجه داشته باشیم دلیل بر تحلیل آخرالزمانی وجود ندارد و اگر



می‌خواهیم تاویل آیه یا تطبیق آن را با قاعده «جری» و «تطبیق» اراده کنیم، مراد از آن افساد امت اسلام با قتل امیرالمومنین، امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام است و توسط حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف انتقام آنان گرفته خواهد شد. از این‌رو، توجه دوباره به این نکته حائز اهمیت است که نمی‌توان قسمتی از آیه را با تمسک به ظاهر و لفظ آیات تفسیر و قسمتی از آن را با تاویل به خواننده القا کرد.

۲-۱. تعارض تحلیل مورد ادعا با ادامه آیه

درباره ادامه آیه و عبارت «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِیلًا»؛ سپس شما را بر آن‌ها چیره می‌کنیم و اموال و فرزندانان را افزون خواهیم کرد و نفرات شما را بیش‌تر [از دشمن] قرار می‌دهیم؛ (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۶، ص ۲۲۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۳، ص ۴۰ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۱۲، ص ۲۶)؛ تصریح دارند که ظاهر آیه بر بازگشت شوکت حاکمیتی و با اقتدار بنی اسرائیل دلالت می‌کند. لذا این سخن که در مرحله اول دولت و تشکیلات یهود و در مرحله دوم، فقط حزب یهود از بین می‌رود، سخنی از روی ذوق و بدون دلیل است. همچنین باید از موافقان نابودی اسرائیل غاصب با حمله اول و تطبیق آن با طوفان الاقصی، چنین پرسش کرد که چگونه این نابودی را متصل به ظهور می‌دانند؛ در حالی که ادامه آیه شریفه بر دستیابی اسرائیل به شوکت و غلبه بر مخالفان دلالت دارد و سال‌ها حاکمیت خواهند داشت و پس از آن، عذاب دوم خواهد آمد. آیا باید حکومت و شوکتی دوباره پس از ظهور برای یهود قائل بود؟!

۳-۱. تفسیر تطبیق گرایانه و شوکت دوباره صهیونیسم

پرسش و اشکال دیگر این است که اگر بپذیریم واقعه اخیر به ظهور منجر شده و مراد از عذاب اول پیروزی ایرانیان بر دولت اشغالگر صهیونیستی است؛ آیا باید بنابر ادامه آیه شریفه بپذیریم که خدای متعال با توجه به ظاهر عبارت «رَدَدْنَا لَكُمُ»، «امددناکم» و «جعلناکم»؛ شوکت را به دولت غاصب صهیونیستی بازگردانده! و آن‌ها را با تامین فرزندان و سربازان بی‌شمار یاری کرده! و به آن‌ها اجازه تشکیل دولت جدید دهد و آن‌ها بر ایرانیان پیروز شوند: «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ»؛ در حالی که این سخن قطعاً باطل است و نه خدای متعال به رژیم ظالم یاری

خواهد رساند و نه دوباره حکومتی برای آن‌ها در زمان ظهور قابل تصور است.

ب) تحلیلی بر روایت «اهل قم»

از جمله دلایل تفسیر تطبیق گرایانه (تطبیق آیه بر نابودی اسرائیل توسط ایرانیان و اتصال به ظهور)؛ روایت «مردمانی از قم» است که ذیل آیه شریفه نقل شده است. این گزارش نیز نمی‌تواند مورد استناد قرار گیرد. مهم‌ترین اشکالات بر این تطبیق را می‌توان چنین دانست:

اولاً: برخی تلاش دارند این روایت را متعدد بدانند که از ائمه مختلف نیز نقل شده است (پناهیان، ۱۵ مهر، ۱۴۰۱؛ به آدرس [Thttps://www.aparat.com/v/4dwIW](https://www.aparat.com/v/4dwIW))؛ در حالی که؛ این گزارش منفرد و شاذ است و تنها در کتاب «تاریخ قم»، تالیف حسن بن محمد قمی (هم عصر شیخ صدوق) ذکر شده است.

ثانیاً: از نظر مباحث سند شناسی و اعتبارسنجی سندی، این گزارش «مرسله» است و راویان ناقل آن مشخص نیستند و نویسنده «تاریخ قم» سند خود را چنین ذکر کرده است: «و ایضا: روایت کنند از بعضی اصحاب ما، که فرمودند: ...» (حسن بن حسن، ۱۳۸۵؛ ص ۲۷۹).

بدین رو، واسطه‌های میان مولف تاریخ قم با امام صادق علیه السلام مشخص نیستند و سند آن از اعتبار ساقط است.

ثالثاً: بر فرض پذیرش این روایت، با توجه به آنچه مفسران ذیل آیه شریفه آورده و ظاهر آیه را بر بنی اسرائیل تطبیق داده و تاویل و مفهوم آن را بر امت اسلام و ظهور حضرت مهدی علیه السلام تطبیق داده‌اند؛ بر می‌آید که مراد امام صادق علیه السلام نقش مردم ایران در زمینه سازی ظهور و مصداقی آخرالزمانی برای عبارت «عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ» محسوب می‌شوند. لذا روایت مذکور به نابودی اسرائیل اشاره‌ای ندارد و اتصال آن به ظهور را نمی‌فهماند.

رابعاً: اگر بخواهیم روایت کتاب تاریخ قم (قمی، ۱۳۸۵؛ ص ۲۷۹) را بر معنای تطبیق گرایانه در سقوط دولت اسرائیل و اتصال به ظهور حمل کنیم؛ با آیه شریفه و روایت دیگری از امام صادق علیه السلام تعارض حاصل می‌شود؛ چرا که در آیه شریفه، سخن از احیای دولت بنی اسرائیل و حکومت آن‌ها بر پیروز شدگان (ایرانیان) است و این با ظاهر روایت و برداشت تطبیق گرایان در تعارض است و در مقام تعارض روایت شاذ، منفرد و ظنی الصدور؛ ترجیح با آیه قرآن است و



روایت مخالف و معارض طرد می‌شوند. در روایتی معارض نیز، مراد از «عباد لنا» مردمان رجعت کننده در دوران ظهور هستند که با مردمان زنده و ایرانیان ارتباطی ندارد (خصیبی، ۱۴۱۹: ص ۴۲۱).

خامسا: در برابر این گزارش، روایت‌هایی دیگر وجود دارند که برای عدم توجه به آن‌ها وجهی نیست. روایتی نقل شده از مرحوم کلینی، این آیه را به وضعیت پیش آمده در امت اسلام تطبیق داده و تاویل برده است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ص ۲۰۶) و مراد از «ایجاد دو مرحله فساد» را شهادت امیرالمومنین علیه السلام و ترور امام حسن مجتبی علیه السلام دانسته که با قتل امام حسین علیه السلام کامل شده و مردمانی محب اهل بیت علیهم السلام به مقابله با بازماندگان آن تفکر برمی‌خیزند و از ظلم رفته بر اجدادشان را خونخواهی خواهند کرد. بر ایرانی بودن این بندگان نیز الزامی وجود ندارد و می‌توانند مصداقی عام از تمام شیعیان و اهل سنت قیام کننده در دوران غیبت باشند که افرادی مانند جبهه مقاومت مصداقی برای آن خواهند بود.

شاهدی افزون بر این مطلب، که مراد این گزارش‌ها قوم بنی اسرائیل نیست و این گزارش‌ها به نبرد ایرانیان با اسرائیل اشاره‌ای ندارد؛ ادامه تفسیر امام صادق علیه السلام است که برخلاف ظاهر آیه شریفه، عبارت «رددنا لكم» را به معنای رجعت امام حسین علیه السلام و اثبات رجعت مردگان در زمان ظهور دانسته و سخن از بازگشت شوکت دولت اسرائیل ندارد (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ص ۲۰۶).

۲. روایت «ورود لشکری از مشرق به فلسطین»

دلیل دیگری که در تطبیق نابودی اسرائیل توسط ایرانیان و اتصال به ظهور مورد استفاده قرار گرفته، گزارشی است از امیرالمومنین علی علیه السلام:

۱. قال امیر المؤمنین علیه السلام: «و ستأتی اليهود من الغرب لانشاء دولتهم بفلسطین. قال الناس: یا أبا الحسن أنى تكون العرب؟ أجاب: آنذاك تكون مفککة القوى مفککة العری غیر متکاتفة و غیر مترادفة. ثم سئل علیه السلام: أ یطول هذا البلاء؟ قال: لا حتی إذا أطلقت العرب أعنتها و رجعت إليها عوازم احلامها عندئذ یفتح علی یدهم فلسطین و تخرج العرب ظافرة و موحدة، و ستأتی النجدة من العراق کتب علی رایاتها القوة، و تشترک العرب و الإسلام كافة لتخلص فلسطین معركة و أی معركة فی جل البحر تخوض الناس فی الدماء و یمشی الحریج علی القتیل. ثم قال علیه السلام: و ستفعل العرب ثلاثا و فی الرابعة یعلم الله ما فی نفوسهم من الثبات و الایمان فیرفر علی رؤوسهم النصر: ثم قال: و ایم الله یدبحون ذبیح النعاج حتی لا یبقی یهودی فی فلسطین.»

یهود برای تشکیل دولت خود در فلسطین، از غرب خواهند آمد.» عرضه داشتند: یا ابوالحسن! پس عرب‌ها در آن موقع کجا خواهند بود؟ فرمود: «در آن زمان عرب‌ها نیروهایشان از هم پاشیده و ارتباط آن‌ها از هم گسیخته است و متحد و هماهنگ نیستند». از آن حضرت سؤال شد: آیا این بلا و گرفتاری طولانی خواهد بود؟ فرمود: «نه، تا زمانی که عرب‌ها زمام امور خودشان را از نفوذ دیگران رها ساخته و تصمیم‌های جدی آنان تجدید شود؛ آن‌گاه سرزمین فلسطین به دست آن‌ها فتح خواهد شد، و عرب‌ها پیروز و متحد خواهند گردید، و نیروهای کمکی از طریق سرزمین عراق به آنان خواهد رسید که بر روی پرچم‌هایشان نوشته شده: است: «القوة» و عرب‌ها و سایر مسلمانان همگی مشترکاً برای نجات فلسطین قیام خواهند کرد و با یهودیان خواهند جنگید و چه جنگ بسیار سختی که در وقت مقابله با یکدیگر در بخش عظیمی از دریا روی خواهد داد که بر اثر آن، مردمان در خون شناور می‌شوند و افراد مجروح بر روی اجساد کشته‌ها عبور می‌کنند... و عرب‌ها سه بار با یهود می‌جنگند، و در مرحله چهارم که خداوند ثبات قدم و ایمان و صداقت آن‌ها را دانست، همای پیروزی بر سرشان سایه می‌افکند... به خدای بزرگ سوگند که یهودیان مانند گوسفند کشته می‌شوند تا جایی که حتی يك نفر یهودی در فلسطین باقی نخواهد ماند (هاشمی شهیدی، ۱۳۸۲: ص ۴۷۹).

محل استناد به روایت مذکور چنین است که مراد از «اسلام» در گزارش مذکور، «ایرانیان» هستند (همان) و نیز شعار «القوه» یادآور آیه شریفه مندرج بر نشان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران است و لذا فتح فلسطین به واسطه رزمندگان ایرانی و سپاه قدس خواهد بود.^۱

بررسی و نقد

این گزارش، در مستندی انحرافی با عنوان «ظهور بسیار نزدیک است»؛ در سال ۱۳۸۹ شمسی مطرح گردید و در رخداد «طوفان الاقصی» و مسئله غزه، با پخش مجدد سخنرانی یکی از استادان حوزوی مورد استقبال تطبیق‌گرایان قرار گرفت و ادعای نزدیکی ظهور و نابودی

۱. (دشتی، ۸ فروردین، ۱۳۹۷: <https://www.aparat.com/v/A1sgw>).



اسرائیل در واقعه طوفان الاقصی را القا کردند.^۱

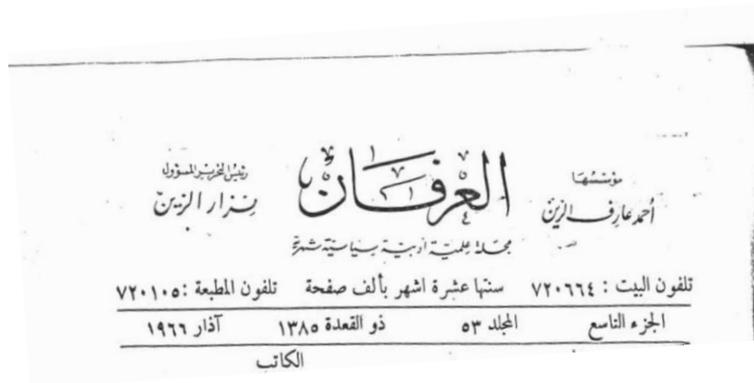
این گزارش در میان معاصران به کتاب «زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» نگاشته سید اسدالله هاشمی شهیدی (هاشمی شهیدی، ۱۳۸۲: ص ۴۷۹)؛ استناد داده می شود. با تحقیق در باره ریشه یابی منبع مورد نظر، چنین مشخص گردید که پیش از آقای هاشمی شهیدی، سید ابراهیم زنجانی (۱۴۲۰ق) در کتاب عقائد الامامیه آن را نقل کرده است. ایشان عبارتی چنین درباره منبع نقل خود آورده است:

في الجزء الثاني من كتاب من كنت مولاه فهذا مولاه تأليف عبد المنعم الكاظمي ص ۲۹۶
ناقلا عن مجلة العرفان اللبنانية في الجزء التاسع مجلد ۵۳ لشهر ذي القعدة ۳۸۵ الموافق ۹۶۶
ناقلا عن كتاب الجفر المطبوع سنة ۱۳۴۰ عن راشد حدرج نزيل دكار في السنكال وإليكم
نص ما جاء في هذا العدد من مجلة العرفان ص ۹۵۴/۹۵۵ (موسوی زنجانی، ۱۴۱۳: ج ۱،
ص ۲۷۰).

جست و جو در فضای مجازی، نسخه ای از مجله «عرفان» یافت گردید و با مراجعه به متن آن، اطلاعاتی بیش از آنچه نویسنده کتاب عقائد الامامیه ذکر کرده است، به دست آمد. در مجله مذکور، آمده است که فردی سنگالی و مقیم شهر داکار، به نام «راشد حدرج»، گزارشی از مشاهده یک کتاب با عنوان «الجفر»، منسوب به حضرت علی ع ارائه و عنوان می کند که در مکه مکرمه، به همراه تعدادی از همراهانش، فردی را حدود سال ۱۹۴۶ میلادی، ملاقات کرده و این شخص کتابی در اختیار داشته است به نام «الجفر» که علم به وقایع گذشته تا روز قیامت در آن نگاشته شده است.



۱. (دستی، ۸ فروردین، ۱۳۹۷: <https://www.aparat.com/v/A1sgw>).



راشد حدرج مدعی است که صاحب این کتاب به فروش آن به هیچ قیمتی حاضر نبوده و آن را از خود جدا نمی‌کرده است (حدرج، ۱۹۶۶: ص ۹۵۴). در نهایت متن کتاب را به آن‌ها نشان داده و دو روایت را برای آن‌ها بازگو کرده که روایت مذکور یکی از آن‌هاست. ابتدای متن مذکور چنین است:

قال ستأتی دولة من الغرب رأيتها عراف الديك ستوجه جيشان جيش الى الدرروز و جيش الى الشامات سألوا عن الدرروز قال فرقة من الاسلام لم تمكث طويلا حتى ترجع . لا شك ان الدولة عراف الديك هي فرنسة ثم قال العناء العناء من الدولة عراف السبع ستحتل مصر و فلسطين و العراق و اطراف الجزيرة لا شك انها الدولة الحبيثة انكلترا ثم قال و ستاتي اليهود من الغرب و بما ساعدت اهل الغرب لانشاء دولتهم بفلسطين...



۱. البته تفاوت‌های کمی در متن عبارت‌ها وجود دارد.

﴿ الجفر والامام علي بن ابي طالب وعه ﴾

لنبدأ في بلادنا . قال ستأتي دولة من الغرب رايتها عراف الديك ستوجه جيشان جيش الى الدوروز وجيش الى الشامات سألوا عن الدوروز قال فرقة من الاسلام لم تمكث طويلا حتى ترجع . لا شك ان الدولة عراف الديك هي فرنسة ثم قال العناء العناء من الدولة عراف السبع ستحتل مصر وفلسطين والعراق اطراف الجزيرة لا شك انها الدولة الخبيثة انكلترا ثم قال وستأتي اليهود من الغرب وبما ساعدت اهل الغرب لانشاء دولتهم بفلسطين قال الناس

٤٥٥

آراء القراء ومشاكلهم

يا ابا الحسين اين تكون العرب اجاب آنذاك تكون مفككة القوى مفككة العربي غير متكاتفه وغير مترادفة ثم سئل ايطول هذا البلاء قال لا حتى اذا اطلقت العرب أعتها ورجعت اليها عوازم أحلامها عندئذ يفتح على يدهم فلسطين وبقية الامصار ومن فلسطين ستخرج العرب ظافرة وموحدة ثم قال وستأتي النجدة من العراق كتب على رايتها القوة وأما فلسطين فستشترك العرب كافة والاسلام خاصة لتخلص فلسطين . معركة واي معركة في جل البحر ستخوض الناس في الدماء وسيمشي الجريح على القتل . ثم قال وستفعل العرب ثلاثاً وفي الرابعة يعلم الله ما في نفوسهم من الثبات والايان فيرفرف على رؤوسهم النصر ثم قال وايم الله سينجحون ذبح النعاج حتى لا يبقى يهودي في فلسطين .

اين سخنان درحالی است که :

اولاً: آقای راشد حدرج فردی شناخته شده نیست و نمی دانیم اعتبار و جایگاه او در وثاقت و نقل قول چگونه است. مجله «عرفان» نیز این سخن را در قالب «آراء القراء و مشاكلهم؛ نظرات خوانندگان» ذکر کرده است و آگاهی خاصی نسبت به این نویسنده نمی دهند و این، گویای بی اطلاعی آنان از این نویسنده است.

ثانياً: نویسنده کتاب مذکور(کتاب الجفر) و دارنده آن کتاب نیز شناخته شده نیستند.

ثالثاً: ادعای وجود کتابی با عنوان «جفر حضرت علی عليه السلام» که علم گذشته تا قیامت در آن است؛ آن هم نزد فردی مجهول، خود ادعایی دال بر کذب گوینده است. دلیل کذب بودن آن، این است که در متون روایی تاکید گردیده، کتاب جفر و مطالب آن که نشان از علوم گذشته و

آینده دارد، فقط در اختیار ائمه اطهار علیهم السلام است و هیچ شخصی به مفاد آن دست نمی‌یابد، مگر این‌که ائمه اطهار علیهم السلام در قالب روایاتی، قسمتی از مطالب آن را بیان کنند (صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۱۵۸).

رابعاً: متأسفانه برخی از نویسندگان اهل سنت، داعیه دار در اختیار داشتن بخشی از کتاب جفر ائمه علیهم السلام بوده و با تمسک به این دروغ، گزارش‌هایی را متناسب با وضعیت اجتماعی و سیاسی زمانه خود جعل کرده‌اند. نمونه بارز این افراد در دوره معاصر، «محمد عیسی داود»، نویسنده مصری و اهل سنت است (ر.ک: شهبازیان، ۱۳۸۶: ص ۴۰). گزارش مذکور نیز نشانی از این روند دارد.

خامساً: متن این گزارش غیر مستند، با ادعای گویندگانی که تلاش دارند ورود به اسرائیل و نابودی این دولت غاصب را به ایرانیان نسبت دهند، در تعارض است؛ چرا که در این گزارش تصریح شده است دولت‌های عرب بعد از شکست و عدم اتحاد، با یکدیگر متحد و بر اسرائیل پیروز می‌شوند و هیچ قرینه‌ای که مراد از سپاهیان با پرچمی دارای شعار «قوه» ایرانیان باشد، در گزارش وجود ندارد.

۳. استناد به گزارش «ورود به اسرائیل با شعار بکش بکش»

سومین گزارشی که در این ایام مورد استفاده تطبیق‌گرایان قرار گرفته؛ استدلال سخنران دیگری به گزارشی از اهل سنت است^۱ که طوفان الاقصی را نشانه‌ای از ظهور دانسته و ادعا کرده است، ایرانیان وارد فلسطین می‌شوند و آن‌جا را نجات می‌دهند و نابودی اسرائیل رخ خواهد داد. این سخنران برای اثبات ادعایش می‌گوید:

ابن حماد در الفتن حدیثی را نقل می‌کند با سند کاری ندارم و سند را مطرح نمی‌کنم؛ بعضاً می‌بینیم پیشگویی محقق شده است؛ اما می‌گویند سند چیست؛ آیا درست است؟ در روایت می‌گوید یهودیان می‌روند، در بیت المقدس جمع می‌شوند، پشت سنگ‌ها و درخت‌ها پنهان می‌شوند. یک قومی به آن‌ها حمله می‌کند که شعارشان «بکش، بکش» است و در میان جمله عربی، اما این شعار فارسی آمده است؛ این، یعنی آن قوم یا

۱. (رائفی پور، ۸ آبان ۱۳۹۷: <https://www.aparat.com/v/bouph?playlist>).



بررسی و نقد

این گزارش مورد نظر همانند دیگر استنادات قبلی دچار تحریف در معنا و تطبیق بدون دلیل برای اثبات ادعای گوینده شده است. باید توجه داشت:

اولاً: مصدر اصلی این گزارش کتاب «الفتن» نعیم بن حماد است. ویژگی این کتاب عدم اعتبار و ضعیف بودنش نزد محققان شیعه و اهل سنت است. وی از علمای اهل سنت و متوفای ۲۲۹ هجری می باشد. رجالیان اهل سنت اگر چه وی را فردی ثقه دانسته؛ اما تصریح دارند که دچار وهم و خلط در نقل احادیث بوده و برخی از سخنان بدون دلیل را گزارش داده است (عسقلانی، ۱۳۲۷: ج ۱۰، ص ۴۶۱). همچنین تذکر داده اند که سخنان او در نقل ملاحم و پیشگویی های مرتبط با وضعیت جهان و دین در آخرالزمان مورد پذیرش نمی باشد (همان، ج ۱۰، ص ۴۶۲ و صادقی، ۱۳۸۲: شماره ۸۴).

ثانیاً: گزارش مورد نظر، از معصوم رضی الله عنه وارد نشده است: «حدثنا ابن ابي هريرة عن ابيه عن علي بن ابي طلحة قال...» و گوینده آن «علی بن ابی طلحة» (۱۴۳ق) است که برخی وی را ثقه و برخی دیگر متروک الحدیث دانسته اند (خطیب بغدادی، ۱۴۰۷: ج ۱۱، ص ۴۲۶ و عسقلانی، ۱۳۲۷: ج ۷، ص ۳۴۰). همچنین رجالیان تاکید دارند که مراداتی با سفاح، بنیان گزار بنی العباس داشته (همان) و از حامیان بنی العباس بوده است (همان).

افزون این که سند این گزارش با واقعیت تاریخی سازگاری ندارد و ابوهریره در سال ۵۹ هجری فوت کرده است (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۴ ص ۲۵۴) و علی بن ابی طلحة در سال ۱۴۳ قمری؛ و فاصله میان مرگ وی و ابوهریره ۸۴ سال است. لذا طبقه حدیثی این دو به هم نزدیک نیست و بعید است که ابوهریره گزارش را از علی بن ابی طلحة نقل کرده باشد.

ثالثاً: گزارش مذکور دچار تحریف در معنا شده و متن گزارش، سخن از ورود مردمانی است با شعار «بکش، بکش» در شهر دمشق سوریه؛ نه در بیت المقدس یا فلسطین: «حدثنا ابن ابي هريرة عن ابيه عن علي بن ابي طلحة قال يدخلون دمشق برايات سود عظام فيقتلون فيها مقتلة عظيمة شعارهم بکش بکش» (نعیم بن حماد، ۱۴۲۳: ص ۱۳۴).

فرزند ابوهریره از ابوهریره، از علی بن ابی طلحه چنین گزارش کرده است: «داخل شهر دمشق با پرچم‌هایی سیاه خواهند شد و کشتار عظیمی صورت داده و شعار آن‌ها بکش، بکش است.»
رباعاً: با توجه به گزارش‌های دیگری که در کتاب الفتن نعیم بن حماد ذکر شده است (نعیم بن حماد، ۱۴۲۳: ص ۱۳۴ و ۱۳۶) و علاقه مندی «علی بن ابی طلحه» به بنی العباس، این روایت با ابومسلم خراسانی مرتبط است که با مروان بن حمار جنگیدند و همراهشان پرچم‌های سیاه بود که به سمت دمشق، در سوریه رفتند و لشکر بنی امیه را شکست دادند (صادقی، ۱۳۸۵: ص ۱۵۲).



نتیجه‌گیری

فلسطین، جایگاه ویژه‌ای برای مسلمانان داشته و بنابر برخی از گزارش‌های آخرالزمانی، حضرت عیسی علیه السلام در آن جا نزول اجلال می‌کند و یاری‌گر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود؛ اما این ویژگی باعث نمی‌گردد که تلاش بر نگاه تطبیق‌گرایانه داشته باشیم و به‌ویژه رخداد «طوفان الاقصی» را نمی‌توان امری متصل با ظهور تعبیر کرد. در این مهم باید به روش رهبر انقلاب اسلامی و دیگر عالمان دینی، وقایع را تحلیل کنیم و بدانیم مسیر تاریخی بر اساس سنت‌های الهی و قواعد آن تنظیم گردیده و نمی‌توان به دلایلی ضعیف، غیر مستند یا مخالف با مبانی اعتنا کرد؛ زیرا این نوع نگرش آسیب‌زاست و می‌تواند به وهن دین و آموزه اصیل مهدویت منجر گردد. همچنین باید توجه داشته باشیم که مسئله فلسطین مسئله اسلام است، نه مسئله ایرانی یا عربی؛ و نه مسئله‌ای شیعی یا سنی. لذا همسو بر نگرش رهبر انقلاب اسلامی که بر قواعد قرآنی مبتنی است؛ معتقدیم برای رسیدن به دوران طلایی ظهور و برجیده شدن ظلم در جهان، به ویژه فلسطین اشغالی، باید استقامت و مقاومت را سرلوحه قرار دهیم و برجیده شدن دولت اسرائیل از این طریق محقق خواهد شد؛ چه این‌که این نابودی متصل به ظهور باشد و یا این‌که سال‌ها تا آن فاصله داشته باشیم.



منابع

قرآن کریم.

۱. ابن سعد، محمد بن سعد (۱۴۱۰ق). *الطبقات الكبرى*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۹۸ق). *الملاحم و الفتن فی ظهور الغایب المنتظر* عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، الشریف الرضی.
۳. آذرنوش، آذرتاش (۱۳۹۶). *فرهنگ معاصر عربی-فارسی*، تهران، نشر نی.
۴. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱). *کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة*، تبریز، مکتبه بنی هاشم.
۵. استرآبادی، علی (۱۴۰۹ق). *تاویل الآیات الظاهره فی فضائل العترة الطاهره*، محقق: حسین استاد ولی، قم، موسسه النشر الاسلامی.
۶. اشکوری، محمد بن علی (۱۳۷۳). *تفسیر شریف لاهیجی*، مصحح: جلال الدین محدث، تهران، دفتر نشر داد.
۷. آقاجانی، نصرالله (۱۳۹۹). *سنت های الاهی در اعتلا و انحطاط جوامع از دیدگاه قرآن و روایات*، قم، دانشگاه باقرالعلوم.
۸. _____ (زمستان ۱۳۹۳). «ویژگی ها و انواع سنت های الاهی در تدبیر جوامع»، مجله اسلام و مطالعات اجتماعی، شماره ۷.
۹. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله سیدعلی خامنه ای، KHAMENEI.IR.
۱۰. پناهیان، علیرضا (۱۴۰۱). *نابودی اسرائیل در میدان امام حسین* عجل الله تعالی فرجه الشریف، <https://www.aparat.com/v/4dwIW>.
۱۱. جوهری، محسن و رضوی، سمانه (پاییز و زمستان ۱۴۰۱). *سنت های الاهی در دیدگاه تفسیری آیت الله خامنه ای*، مطالعات قرآن و حدیث، شماره ۳۱.
۱۲. خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۹). *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*، تهران، موسسه حفظ و نشر انقلاب اسلامی.
۱۳. خصیبی، حسین بن حمدان (۱۴۱۹ق). *هدایة الكبرى*، بیروت، البلاغ.
۱۴. خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۰۷ق). *تاریخ بغداد أو مدینة السلام*، بیروت، دار الکتب العلمیة.



۱۵. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). *لغت نامه دهخدا*، تهران، روزنه.
۱۶. رائفی پور، علی اکبر (۱۳۹۷). *نابودی اسرائیل توسط ایرانی‌ها در پیشگویی‌ها*،
<https://www.aparat.com/v/bouph?playlist=116446>
۱۷. سلیمیان، خدامراد (۱۳۹۹). *آسیب‌های تسامح در نقل روایات مهدویت*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۸. سیدرضی، محمد ابن حسین (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغه*، مصحح: صالح صبحی، قم، هجرت.
۱۹. شهبازیان، محمد (۱۳۹۶). *ره افسانه*، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۲۰. _____ (بهار ۱۳۹۸). «*کاوشی در مقوله تحریف، بسترها و شیوه‌های ایجاد در جریان‌های انحرافی مهدویت*»، پژوهش‌های مهدوی، شماره ۲۸.
۲۱. شهبازیان، محمد و زارع، مهدی (بهار و تابستان ۱۴۰۲)، «*تحلیلی بر مدیریت استدلال و استناددهی به منابع حدیثی در جریان‌های انحرافی*»، دو فصلنامه مدیریت دانش، شماره ۹.
۲۲. صادقی، مصطفی (زمستان ۱۳۸۲) «*الفتن ابن حماد قدیمی ترین کتاب در مهدویت*»، آیین پژوهش، شماره ۸۴.
۲۳. _____ (۱۳۸۵). *تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۴. صدوق، محمد بن علی (۱۳۵۹). *کمال الدین و تمام النعمه*، مترجم: کمره‌ای، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف*، قم، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.
۲۶. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، یزدی طباطبایی، تهران، ناصر خسرو.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). *التبیین فی تفسیر القرآن*، لبنان-بیروت، دار احیا التراث العربی.
۲۹. عسقلانی، علی بن حجر (۱۳۲۷ق). *تهذیب التهذیب*، بیروت، دار صادر.

۳. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). *التفسیر (تفسیر العیاشی)*، مصحح: هاشم رسولی محلاتی، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه.

۳۱. فاضلیان، نفیسه سادات (۱۳۸۸). *پیوند سنت های الهی با تفکر مهدویت در قرآن*، قم، آیه حیات.

۳۲. قمی، حسن بن علی (۱۳۸۵). *تاریخ قم*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

۳۳. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). *تفسیر القمی*، مصحح: موسوی جزایری، قم، دارالکتاب.

۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۳۵. کورانی، علی و همکاران (۱۳۸۶). *معجم احادیث الامام المهدی*، قم، بنیاد معارف اسلامی - مسجد جمکران.

۳۶. محیطی اردکان، محمد علی و قانع اردکانی، علی (زمستان ۱۳۹۸). «*پژوهشی در مبانی نظری*

پیش بینی مقام معظم رهبری مبنی بر نابودی اسرائیل»، مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۵۹.

۳۷. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.

۳۸. معین، محمد (۱۳۸۶). *لغت نامه معین*، تهران، زرین.

۳۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۴۰. _____ (۱۳۸۶). *برگزیده تفسیر نمونه*، جلد ۱، قم، دارالکتب الاسلامیه.

۴۱. ملازهی، عبدالرحمن (۱۴۰۲). *نبرد طوفان الاقصی پیشواز و زمینه ساز*،

<https://www.aparat.com/v/hQ8nC>

۴۲. موسوی زنجانی، ابراهیم (۱۴۱۳ق). *عقاید الإمامیه الاثنی عشریه*، بیروت، مؤسسة الأعلمی

للمطبوعات.

۴۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). *الغیبه للنعمانی*، تهران، نشر صدوق.

۴۴. نعیم بن حماد (۱۴۲۳ق). *الفتن ابن حماد*، بیروت (لبنان)، دارالکتب العلمیه.

۴۵. هاشمی شهیدی، سیداسدالله (۱۳۸۲). *زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی* عجل الله تعالی فرجه الشریک از دیدگاه

روایات، قم، پرهیزکار.

۴۶. یحیی محمد، منصور (پاییز و زمستان ۱۴۰۰). «*سنن الهی، قوانین حتمی حاکم در عالم با تکیه بر*

آیات قرآن»، گفتمان وحی، شماره ۲۰.

۴۷. هیئة الموسوعة الفلسطينية (۱۹۸۴م). *الموسوعة الفلسطينية*، دمشق، الدار العربیة للموسوعات.

